



۲۰۱۵/۰۴/۰۴

جليل غنى

**توضیحي بر:****"به یاد تو سخنور بی همتای ملت افغان"**

معروض هزار اشتباهیم همه  
با خامهٔ دیگران سیاهیم همه

هر چند که پاک و بی گناهیم همه  
مانند ورق های سپیدیم ولی

خواستیم این نگارش را با این رباعی استاد سخن و سخنور بی مثال قرن اخیر افغانستان و منطقه در فرهنگ و ادب دری، مرحوم استاد خلیل الله خلیلی آغاز کنم که درین اواخر تبصره ها از هر زبانی و از هر قلمی در بارهٔ یکی از رساله های او «عیاری از خراسان» صفحات رسانه های بیرون مرزی را، به شمول پورتال وزین افغان جرمن آنلاين، انباشته است.

منشأ این مقالات جلسهٔ عده ای از هواخواهان حبیب الله کلکانی بود که به ابتکار پوهاند رسول رهین در لندن دایر گردید ولی به جای اینکه انگشت انتقاد به سوی ترتیب کنندگان این کنفرانس و یا اشتراک کنندگان آن نشانه گرفته شود پای «عیاری از خراسان» به آن کشانیده شد و به بهانهٔ آن زمینهٔ ترور شخصیت ادبی و فرهنگی و این سخنور بی همتای ادب دری و نویسندهٔ این رساله، به هر دلیلی که نویسندگان داشتند، فراهم گردید.

این گویا کنفرانس در ۲۴ دسمبر ۲۰۱۴ در لندن دایر گردید که در آن پوهاند رسول رهین نقش کلیدی داشت و یک عده از هواخواهان حبیب الله کلکانی در آن اشتراک داشتند. از چنین اجلاس درین مقطع زمان بوی جدائی طلبی می آید. جنگ بیش از سی سال بنیاد شیرازهٔ تمام مناسبات و تعلقات ملی را ویران نموده و تازه این ملت بلا کشیده در صدد التیام زخم های ناشی از خصومت های این جنگ خانمان سوز اقدام کرده و سعی بر این است تا بار دیگر ملت افغانستان به حیث یک کتلهٔ واحد، همانطوری که قریب به سه صد سال گذشته همه اقوام و قبایل و عشایر در پهلوی هم برادر وار زندگی کرده اند، باز هم پیکر خونبار و زخم آلود وحدت ملی را التیام بخشند و بار دیگر این برادران که متحداً ابر قدرت متجاوز سرخ را به شکست مواجه ساختند و وطن را از اشغال قشون سرخ و حکومت های دست نشانده و مزدور نجات دادند، کشور شان را خانهٔ همهٔ ملت قرار دهند. چنین جلسات جداً قابل تحريم و نکوهش است و به یقین که این عمل، نفرت همگانی را بخود جلب نموده است، و از آن نویسندگانی که تدویر چنین جلسات تفرقه انگیز را، در داخل چوکات ادب و عفت قلم نکوهش و تحريم کرده اند، تقدیر باید نمود.

باید یاد آور شد که کار نامه های منفی حبیب الله کلکانی و کشانیدن افغانستان در مسیر قهقرائی بعد از نهضت انقلابی و ترقی خواهانهٔ شاه امان الله محصل استقلال افغانستان دلایل کافی برای تقبیح اعمال او دارد ولی به جای افشای این حقایق و تحريم گردهمایی لندن، ارزیابی و ابراز نظر در مورد چنین کنفرانسی از مسیر اصلی آن که همانا توضیح اضرار چنین جلسات در این برههٔ سرنوشت ساز برای ملت افغانستان است انحراف داده شد و توجه به نوشتهٔ ناول گونهٔ استاد خلیل الله خلیلی جلب گردید و برای بدنام ساختن این شاعر بی مانند و استورهٔ شعر مقاومت افغانستان که بدون شک یکی از نوایع ادبی افغانستان معاصر است دست و آستین بر زده شد.

درین اواخر عده ای از نویسندگان افغان بیرون از افغانستان جلسهٔ لندن را بهانه گرفته و شخصیت ادبی و فرهنگی این شاعر بی همتای کشور را مورد حمله قرار داده و هتک حرمت کرده اند و تا سرحدی این حملات پیش رفته که استاد خلیل الله خلیلی سرآمد شعر و ادب دری را نه تنها در افغانستان بلکه در کشورهای همسایه و دری/فارسی زبان، به خیانت ملی متهم نموده اند، اتهامی بس بزرگ و بدون اثبات جرم ملی که نمی توان به دلایل ذیل بر کسی به آسانی وارد کرد"

چنین اتهامی تنها در صورتی می تواند بر کسی وارد شود که مراحل قانونی خود را بپیماید و با اسناد و شواهد بعد از طی مراحل محاکم، متهم محکوم گردد. آنانیکه این اتهام را وارد می کنند هیچ گونه صلاحیت قانونی ندارند و در حالی که در غرب بسر می برند شاید حتی از قوانین همین کشور ها و حتی افغانستان هم آگاهی کافی نداشته باشند زیرا قانون

د پائو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

اساسی افغانستان به صراحت حکم می کند که "آزادی و کرامت انسان از تعرض مصوون است" (فقره دوم ماده بیست و چهارم). ولی اینها بر شخصیت استاد خلیل الله خلیلی بزرگ بی حرمتی و بر کرامت ایشان تجاوز کرده اند.

فراموش نکنیم که دیگر زمان اتهامات بی دلیل و ثبوت و تهیه دوسیه های بی مورد و بدون سند و دیکتاتور مآبانه و غیر مسؤولانه به زیاله دان تاریخ سپرده شده است. اما استاد خلیلی به حیث یک شخصیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و دانشمند جایش را در تاریخ اد، فرهنگ و تاریخ این خطه باز کرده و ماندگار است

### صد غوطه به دریای ادب زن چو خلیلی و انگه سخن نغز گهر وار بر آور

استاد خلیلی مانند هر انسان دیگر سهو و اشتباه کرده است زیرا انسان جایز الخطا است. و حتی شاید شقاوت هم کرده باشد. اما نباید فراموش کرد که اشتباهات او در مقایسه با اشتباهات و شقاوت های که بعد از کودتای کمونیستی هفت ثور از طرف رهبران و عمال رژیم کمونیستی و متعاقب آن توسط یک عده از رهبران و پیروان تنظیم های جهادی در افغانستان ارتکاب شده به مراتب کمتر و قابل مقایسه نیست. صد ها هزار خانواده هنوز هم درد از دست دادن جوانان و زنان و اطفال شان را چه در حکومت های حزب دیموکراتیک خلق و چه در دوره حکومت تنظیمی و طالبان فراموش نکرده اند.

جای شک نیست که با فراهم بودن زمینه تبادل نظر آزاد و افشای حقایق نهفته و نا گفته گوشه های تاریخ و فرهنگ باز می شود و نسل های آینده تصویر بهتر و روشنی از گذشته های شان می داشته باشند و یقین کامل است که در روشنی همین تجارب گذشته و نتایج آن، راه روشنی را در پیش خواهند گرفت و از نتایج مثبت آن بهره مند خواهند شد زیرا گذشته است که بنای آینده را می گذارد.

اما آزادی بیان و عقیده و ابراز نظر آزاد به معنی لجام گسیختگی و هتک حرمت و تجاوز به شخصیت، علمیت، فرهنگ و سایر ارزش های انسانی نیست و در بسیاری نوشته ها و گفتار هایی که در نشرات بیرون مرزی خوانده، دیده و یا شنیده می شود به جای تحلیل و تجزیه علمی یک اثر چه فرهنگی است و چه علمی و تاریخی، سخن حتی به استعمال کلمات و عبارات مستهجن می رسد. در مورد رساله «عیاری از خراسان» هم نمونه های زیادی از این قبیل دیده شد.

هدف از این نوشته دفاع از «عیاری از خراسان» نیست و نه هم کوشش دارم استاد سخن را در نوشتن این رساله برانته دهم. این رساله زمانی در اوایل سال ۱۹۸۳ در پاکستان چاپ شد که من هم مثل استاد سخن خلیل الله خلیلی در پاکستان مهاجر بودم و این رساله را فرزند شان مسعود خلیلی که با او از سالیان پیش آشنایی داشتم بمن داد و خواندم ولی ناختم و تاز بر استاد سخن به بهانه نوشتن یک رساله کوچکی که **بیشتر شکل یک ناول را دارد تا افشای حقایق تاریخ و می شود آنرا یک داستان و ناول برای متبازر ساختن قهرمان داستان نامید**، تا یک اثر تاریخی، از یک توطئه بزرگتری آب خواهد خورد و در عقب آن رازی نهفته باشد که مستلزم پژوهش و تحقیق بیشتر و بی طرفانه است.

تقریباً همه انتقاد ها و مزمت ها متکی بر کاپی یک سندی است که به سال های ۱۹۷۳م بر می گردد و آنچه به گفتار استاد خلیلی نسبت داده می شود آنرا معتبر می پندارند ولی نخست باید تفه بودن این سند تثبیت گردد وقتی به متن این سند نظر انداخته شود دیده می شود که در آن اغلاط املائی و انشایی زیادی وجود دارد بعید به نظر می رسد که سفیر ایران در عراق چنین سواد کمی داشته بوده باشد و با چنین اغلاطی این نامه را به اسدالله علم وزیر دربار شاه ایران فرستاده باشد.

این سند بدون هیچ گونه تحقیق علمی و اثبات اصالت و یا جعلی بودن آن، نشر شده است. کار تحقیق بر این سند برای دست یابی بر اصل سند و برانته و یا وارد بودن اتهام بر استاد بزرگ زبان و ادب دری و سر آمد ادبیات مقاومت چه در نظم و چه در نثر در تاریخ معاصر افغانستان، از طرف علمای زبان شناسی و خط شناسی و همچنان دست اندرکاران امور سیاسی برای تثبیت تعارفات معمول دیپلماتیک لازمی پنداشته می شود. شاید بتوان این دلایل را برای هدف قرار دادن استاد خلیلی بر شمرد:

یکی اینکه حسودانی از ایران خواسته باشند توسط عمال شان شخصیت ادبی و فرهنگی استاد را که نظیر او در سرزمین آنها دیده نشده لکه دار بسازند.

دخالت حلقاتی از پیروان خلق و پرچم را هم نمی توان درین توطئه نا دیده گرفت که می خواهند انتقام اشعاری را که در مزمت آنها و جفای های حزب بر ملت در جریان مقاومت ملت افغانستان در برابر ابر قدرت شوروی زمان و عمال آنها در افغانستان سروده، بگیرند. نمونه های از این نوع سروده ها در همین مقاله تقدیم می گردد.



تو چون فرزند اسلامی، سعادت نیست جز توحید  
ز محراب محمد (ص)، پرچم کفار را بشکن  
سَرِ آزادگانِ ملتِ توحید شد بر دار  
به یک "الله اکبر" چوبه های دار را بشکن  
(۱)

نا گفته نباید گذاشت که رساله "عیاری از خراسان" صرف نظر از اینکه از نگاه سیاسی نا مطلوب خواهد بود و از نگاه تاریخی مورد سؤال، ولی اگر به آن به حیث یک اثر ادبی دیده شود دارای نکات و اصطلاحات و عباراتی است که فقط از خامه استاد خلیلی انتظار برده شده می تواند.  
حضرت سعدی می گوید:

زبان در دهان خرمند چیست      کلید در گنج صاحب هنر  
چو در بسته باشد چه داند کسی      که جوهر فروش است یا پبله ور

در مقالات و نظر هایی که در چند روز گذشته باز هم در باره این اثر دیده می شود و جناب انجنیر احسان الله مایار [http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/mayar\\_e\\_khalili\\_ba\\_yad\\_too\\_sokhanwar\\_behamta\\_afghan.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/mayar_e_khalili_ba_yad_too_sokhanwar_behamta_afghan.pdf)

و جناب غزنوی غزی و استاد سید عبدالله کاظم هم بر آن روشنی انداختند برخی نکاتی هست که ضرورت به توضیح مختصر دارد. جناب غزنوی غزی از کتاب «نامه های استاد به دخترش نقل قول کرده اند که:

"در دسمبر ۱۹۸۳ در نیوجرسی بودم که مکتوب رسمی به امضای قاضی محمد فضل احمد خان چمیه به من رسید. . . که نوشته بود - نویسنده:

رسماً وظیفه دارم تا از طرف رئیس جمهور پاکستان، ضیاءالحق به شما ابلاغ کنم که شما به حیث مشاور فرهنگی رئیس جمهور در امور فرهنگی مهاجرین افغان مقرر شدید. من پاکستان رفتم . . . به قاضی گفتم اگر بدون دفتر رسمی بطور آزاد مقرر شوم، وظیفه مشاوریت را به کمال افتخار قبول دارم . . . یک هفته بعد مرا به صورت آزاد به حیث مشاور فرهنگی رئیس جمهور (پاکستان) افتخار بخشیدند و همان قدر معاش مقرر کردند که گذاره من می شد. در اسلام آباد اقامت کردم و در ناظم الدین رود به کار آغاز کردم»

سه نکته ذیل را که در آن ایام من هم در پاکستان شاهد آن بودم برای روشن شدن بیشتر موضوع با عرض ادب خدمت بزرگواران محترم جناب مایار و استاد کاظم لازم به تذکر می دانم.

۱ - استاد خلیلی در یازدهم اکتوبر سال ۱۹۸۲ وارد اسلام آباد شد و در دفتر مرکز علمی متعلق به جمعیت اسلامی افغانستان به رهبری برهان الدین ربانی بسر می برد و مهمان استاد ربانی بود. اینکه استاد خلیلی نوشته اند که «عیاری از خراسان» را به درخواست میزبان شان نوشته اند این میزبان جز استاد ربانی کس دیگری بوده نمی تواند به این دلیل که نخست میزبان استاد در آن ایام برهان الدین ربانی بود و دوم اینکه تصور شده نمی تواند که ضیاءالحق و یا دستگاه او دلچسپی و علاقمندی به حبیب الله کلکانی داشته بوده باشند.

۲ - این رساله همان طوریکه تذکر رفت در اوایل سال ۱۹۸۳ نگاشته شد و در پاکستان چاپ شد نه بعد از آن زیرا زمانی که این رساله به دستم رسید استاد خلیلی هنوز هم در دفتر مرکز علمی بسر می بردند و من هم گاهی به حضور شان مشرف می شدم و از محضر شان فیض می بردم. درین دفتر اتاق کوچک و محقری به اختیار شان گذاشته شده بود که بیشتر به یک اتاق مسافر خانه می ماند تا یک محل رهاش فرا خور حال استاد خلیلی.

---

۲- بر گرفته از وب بلاگ استاد خلیل الله خلیلی (خلیلی افغان) که توسط جناب فرهاد خلیلی تنظیم شده است. این شعر در دیوان اشک ها و خون ها هم نشر شده است .

<http://ustadkhalili.blogfa.com/category/%D%A%D%B%D%B%D%A%D%B>

۳ - استاد خلیلی به احتمال قوی از دسمبر ۱۹۸۳ به بعد در محلی که حکومت ضیاءالحق در ناظم الدین رود برای شان تهیه کرده بود بسر برده اند زیرا در اواسط جون ۱۹۸۳ که من هنوز به حیث مهاجر در اسلام آباد بسر می بردم استاد در مرکز علمی جمعیت اسلامی در همان اتاق محقر بسر می بردند. مرکز علمی از طرف جمعیت اسلامی در اسلام آباد تأسیس شده بود که ظاهراً برای جلب و جذب دانشمندان و علما جهت تحقیق و تتبع و آمادگی ها برای آینده افغانستان بود. مدیریت این دفتر را داکتر شیر احمد نصری حق شناس به عهده داشت که قرار معلوم اکنون در استرالیا بسر می برد. درین دفتر عده ای از شخصیت های علمی و نخبگان جمع بودند که از آن جمله می توان از حبیب الله غالب، عبدالاحد عشرتی، عبدالعزیز فروغ، راشد سلجوقی، صباح الدین کشکی، عبدالعزیز فروغ، عبدالشکور فرهادی و یک عده از انجیران افغان نام برد. آنانی که توانستند با روش جمعیت اسلامی و مدیران این مرکز توافق کنند تا واپسین روز های بیرون شدن از پاکستان در همانجا سازش نمودند ولی عده ای دیگری که رهبری جمعیت نمی توانست از آنها به نفع خود بهره برداری نماید به نحوی از انحا یا مجبور به ترک این مرکز می شدند و یا هم خود شان مرکز علمی را ترک می کردند که از آن جمله می توان از راشد سلجوقی، صباح الدین کشکی، عبدالعزیز فروغ و برخی دیگر نام برد. آقایان راشد سلجوقی و صباح الدین کشکی با خارج شدن از مرکز علمی به همکاری و هموائی محمد هاشم مجددی شورای ثقافتی جهاد افغانستان را در ۲۱ اگست سال ۱۹۸۳ در اسلام آباد تأسیس نمودند که توانست طی سالیان متمادی زندگی نامه مختصر بیش از بیست و پنج هزار قوماندان جهادی و شخصیت های برانزده افغان را به شکل کارتوتیک جمع آوری و ثبت نماید و نشریه سه ماهه ای نیز در مورد موضوعات مربوط به افغانستان نشر نماید. این نگارش را با رباعی از استاد سخن آغاز و با این رباعی از او آنرا به پایان می رسانم روحش شاد و یادش جاودانه باد

گر خاک در یار نرفتیم گذشت      گر طعنه اغیار شنفتیم گذشت  
آن سوز که در سینه ما پنهان بود      گفتیم گذشت گر نگفتیم گذشت

پایان

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ